

رسانه‌ی آمریکایی، بازی دوگانه با ایران و جمهوری آذربایجان

سرویس آذربایجان / خبرگزاری آران

خبرگزاری آران / سرویس آذربایجان : رسانه‌های جمهوری آذربایجان به تازگی اعلان کردند که به زودی یک شبکه‌ی آذری زبان وابسته به دولت آمریکا که بخش زیادی از عملیات

۱۰ه اندازه، آن، به انحاء، سده، آغاز، به کا، خواهد کد. بر پایه گزارش این رسانه‌ها، پس از جذب و آموزش شماری از فعالان رسانه‌ای آذری زبان، قرار است شبکه‌ی آذری زبان موسوم به «آزادلیق» از طریق ماهواره‌ی ترک ست آغاز به

کار کند و می‌توان گفت که آمریکایی‌ها تصمیم خود را برای راه‌اندازی این شبکه‌ی تلویزیونی قطعی کرده‌اند.

گفته می‌شود، این تصمیم مسوولان آمریکایی در واقع واکنشی نسبت به جلوگیری از پخش برنامه‌های رادیو آزادی آمریکا در جمهوری آذربایجان بوده است.

همچنین پس از شروع به کار شبکه‌های گوناگون فارسی زبان در سال‌های اخیر با حمایت دولت‌های غربی، این اقدام دولت آمریکا را نیز می‌توان در چارچوب سیاست‌های ضد

ایرانی این دولت در منطقه قفقاز مورد بررسی قرار داد.

بنابر تحلیل بسیاری از صاحب‌نظران اهداف اصلی راه‌اندازی این رسانه‌ی جدید بیشتر متوجه آذری زبان‌های جمهوری اسلامی ایران است تا جمهوری آذربایجان.

اگر چه روزنامه‌ی «ینی مساوات» چاپ باکو در این زمینه مدعی شده است که آمریکا قصد دارد با راه‌اندازی این شبکه، دولت آذربایجان را برای دستیابی به خواست‌های

واشنگتن در آسیای مرکزی و قفقاز زیر فشار قرار دهد، اما به نظر می‌رسد دامن زدن به بحث‌های قومیتی به خصوص در مناطق آذری‌نشین و ایجاد چالش‌های هویتی و امنیتی

در مناطق غربی ایران، هدف اصلی گردانندگان این رسانه باشد.

تجربه آمریکا در عملیات رسانه‌ای که کشورهای نظیر اوکراین، قزاقستان و ازبکستان را زیر پوشش می‌گرفت و منجر به وقوع انقلاب‌های مخملی در این کشورها شد باعث شده

تا واشنگتن با گرتنه برداری از سیاست پیشین خود، این بار در بعد رسانه‌ای تمامیت ارضی کشورمان را هدف بگیرد.

**** جایگاه جمهوری آذربایجان در سیاست‌های ضد ایرانی آمریکا**

ورای سیاست عمومی و راهبردی واشنگتن در منطقه‌ی آسیای مرکزی و قفقاز، از ابتدای شکل‌گیری جمهوری آذربایجان، ایالات متحده چند هدف عمومی را در این کشور دنبال

کرده است:

1- استفاده از منافع مربوط به ذخایر و منابع انرژی در جمهوری آذربایجان

2- جلب نظر مقامات آذری برای تبدیل شدن به شریک منطقه‌ای رژیم صهیونیستی

3- استفاده از موقعیت راهبردی جمهوری آذربایجان به عنوان پایگاهی برای حفظ منافع همه جانبه واشنگتن در منطقه

4- استفاده از حربه نفوذ در جمهوری آذربایجان به عنوان مولفه‌ای تأثیرگذار در روابط با رقبای استراتژیکی چون روسیه و کنترل کنش‌های کشورهای نظیر جمهوری اسلامی ایران

با پر رنگ تر شدن اختلافات تهران و واشنگتن در خصوص برنامه صلح آمیز هسته‌ای کشورمان، آمریکا قصد دارد از امکانات جمهوری آذربایجان برای اعمال فشار بیشتر بر

جمهوری اسلامی ایران بهره‌جوید.

تصویب دکترین جدید دفاعی جمهوری آذربایجان در اواسط خرداد ماه سال جاری در پارلمان این کشور که دو روز پس از سفر «رابرت گیتس» وزیر دفاع آمریکا و با نفوذ واشنگتن

به تصویب رسید، موجب شد تا کاخ سفید برای در اختیار گرفتن پایگاه نظامی در جمهوری آذربایجان با دشواری‌های کمتری روبرو شود.

تصویب دکترین جدید در حالی صورت گرفت که سند دفاعی پیشین، واگذاری هرگونه پایگاه نظامی به کشور دیگر را به هیچ وجه قانونی نمی‌دانست، در صورتی که ماده‌ی

بیست و نهم دکترین جدید، در شرایط اضطراری دست مقامات باکو را برای اعطای اختیار به کشورهای چون آمریکا برای استفاده از خاک این کشور باز می‌گذارد.

لازم به ذکر است که در سند جدید دفاعی، جمهوری اسلامی ایران به صورت غیر مستقیم به عنوان یکی از تهدیدهای جدی پیش روی تمامیت ارضی و امنیت این کشور قلمداد

شده است.

رفت و آمد‌های اخیر مقامات کاخ سفید به منطقه‌ی قفقاز برای پی‌گیری اهداف و خواست‌های آمریکا در جمهوری آذربایجان به خصوص سفر ماه گذشته وزیر امور خارجه آمریکا

به باکو را می‌توان در چارچوب فعال تر شدن دیپلماسی ایالات متحده در روابط با جمهوری آذربایجان مورد بررسی قرار داد.

«هیلاری کلینتون» وزیر امور خارجه آمریکا در سفر اخیرش به باکو عنوان کرد که: «جمهوری آذربایجان به منزله‌ی شاه کلیدی است که واشنگتن به وسیله آن می‌تواند به راحتی به

اهداف خود در منطقه دست یابد». این اظهار نظرها در کنار بروز هر از چند گاه سیاست‌های ضد ایرانی از سوی باکو باعث ایجاد نگرانی‌هایی برای جمهوری اسلامی ایران در این

زمینه شده است.

شواهد نشان دهنده‌ی این مساله است که حضور نظامی آمریکا در این جمهوری در شرایط حاضر با شدت و جدیت بیشتری پیگیری می‌شود. از دیدگاه تهران، حضور نظامی

آمریکا و ناتو در جمهوری آذربایجان با توجیه مبارزه با تروریسم با حفاظت از شریان‌های انرژی یا هر بهانه دیگری که باشد، پای آمریکا را به نزدیکی مرزهای ایران گشوده و

محدودیت‌ها و تهدیدهایی را متوجه جمهوری اسلامی ایران خواهد ساخت. در این شرایط، واکنش ایران به تحركات آمریکایی‌ها در جمهوری آذربایجان اجتناب ناپذیر بوده و از

حضور کشورهایی که اقدامات آنها در روبرویی با منافع آن قرار دارد، ناخرسند است.

**** استفاده از ابزارهای فرهنگی علیه جمهوری اسلامی ایران**

گذشته از بحث تلاش واشنگتن برای در اختیار گرفتن پایگاه نظامی و استفاده از رادارهایی که گفته می‌شود در شمال باکو و نواحی جنوب جمهوری آذربایجان از سوی آمریکایی‌ها

برای جاسوسی و کسب اطلاعات علیه ایران استفاده می‌شود و نیز استفاده‌ی احتمالی از رادار «قبله» در نزدیکی مرزهای شمالی آن، ورود به عرصه بحران‌زایی هویتی و قومیتی

برای اعمال فشار بر ایران نتیجه‌ی سیاست‌ها و مواضع ضد ایرانی برخی مقامات سابق آذری و الگوبرداری از سیاست‌های استعماری گذشته بریتانیا است.

با اعلام استقلال جمهوری آذربایجان، «ابوالفضل ایلچی بیگ» رهبر «جبهه‌ی خلق آذربایجان» پس از رسیدن به مقام ریاست جمهوری با تکیه بر قوم‌گرای، مواضع و سیاست

های ضد ایرانی شدیدی را در پیش گرفت.

تغییر محتوای کتاب‌های درسی در مدارس و چاپ و نشر جراید و کتاب‌هایی با مضامین ضد ایرانی، تبلیغات ضد جمهوری اسلامی در رسانه‌های وابسته به حکومت جمهوری

آذربایجان و پذیرفتن بخشی از معارضات جمهوری اسلامی ایران و فعالان جدایی طلب و حمایت از آنها نمونه‌هایی از اقدامات دولت ایلچی بیگ علیه کشورمان بود.

اگرچه با برکناری رهبر جبهه‌ی خلق و روی کار آمدن «حیدر علی اف» رئیس جمهور سابق، روابط تهران-باکو به میزان قابل توجهی بهبود یافت، اما میراث سیاست‌های ضد ایرانی،

همچنان دست آویز کشورهایی است که قصد دارند با استفاده از ابزارهای گوناگون بر جمهوری اسلامی ایران فشار وارد کنند.

در شرایط کنونی، کاخ سفید با توجه به عمق کینه توتزی‌های مقاماتش نسبت به جمهوری اسلامی ایران، قصد دارد از ابزارهایی استفاده کند که سال‌ها پیش استعمار پیر انگلستان

از آن بهره می‌برد. با توجه به زندگی اقوام مختلف در چارچوب مرزهای جمهوری اسلامی ایران، انگشت گذاشتن بر اختلافات هویتی حربه‌ای است که از نظر آمریکایی‌ها دور

نمانده است.

**** تلاش کور قدرت‌ها برای تجزیه‌ی ایران**

در سال های نفوذ انگلستان در ایران، اختلاف افکنی بین گروه های قومی و مذهبی از جمله ابزارهای موثر بریتانیا برای دست یابی به خواست ها و اهداف این کشور بوده است. تلاش برای سودجویی از این تجربه ی بریتانیا باعث شد تا در سال های بعد، اتحاد جماهیر شوروی با پایان جنگ دوم جهانی، به منظور پی گیری منافع خود و امتیازگیری از دولت ایران در مناطق آذربایجان و کردستان با حمایت از تشکیل دولت های قومی، در راستای تجزیه ی ایران گام بردارد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با توجه به دشمنی های آمریکا با شورمان، استفاده از ابزار تفاوت های قومی و زبانی برای به چالش کشیدن جمهوری اسلامی ایران بارها صورت گرفته است.

تحریک اقلیت های مذهبی و قومی در مناطقی چون ترکمن صحرا و کردستان در ابتدای پیروزی انقلاب، تلاش برای همسو کردن مردم خوزستان با ارتش متجاوز عراق در شروع جنگ تحمیلی و فتنه انگیزی در مناطقی مانند سیستان و بلوچستان، نمونه های تلاش آمریکا در این مسیر بوده است .

به رغم ناکام ماندن سیاست های تحریک آمیز قومی و مذهبی در ایران، تلاش واشنگتن برای تاثیر گذاری بر میلیون ها آذری زبان کشورمان را می توان اصراری بیهوده بر سیاست های گذشته قلمداد نمود.

با توجه به درهم آمیختگی فرهنگ های قومی و حتی مذهبی در چارچوب مرزهای ایران، تحریک قومی و تلاش برای تاثیر گذاری بر بزرگترین اقلیت زبانی ایران، نتیجه ای معکوس برای واشنگتن به همراه می آورد.

قوام یافتن گروه های زبانی، مذهبی و حتی نژادی در چارچوب یک مرز مشترک، با آرمان ها و منافع مشترک در طول یک روند تاریخی مساله ای است که در مورد ایران صدق می کند.

در ایران، برانگیختن قومیت ها منجر به اثرات به اصطلاح «دیالکتیک» می شود، بدین ترتیب که تلاش برای فروپاشاندن از درون به تدریج پایه ی وحدت ملی را استحکام خواهد بخشید. در طول تاریخ معاصر تجربه های ناموفق برای تجزیه ایران که منجر به عمیق تر شدن بنیان های وحدت ملی شده تایید کننده ی این امر می باشد.

**** آذربایجان و تبلیغات آذری محور آمریکا**

در روابط جمهوری آذربایجان و آمریکا در سال های گذشته مولفه های تاثیرگذاری وجود داشته که این روابط را دستخوش تحولاتی کرده است. موضع آمریکا در برابر اشغال بخشی از خاک جمهوری آذربایجان از سوی ارمنستان برای مقامات آذری نامشخص است. در حالی که باکو خواستار حمایت صریح آمریکا از موضع جمهوری آذربایجان است، آمریکا از حل بحران «قره باغ» به نحوه ای به اصطلاح عادلانه سخن می گوید اما در عمل از استقلال این منطقه حمایت می کند.

به گفته برخی تحلیل گران، مسائلی نظیر تصویب کمک 10 میلیون دلاری آمریکا برای جدایی طلبان قره باغ، کمک بلاعوض 44 میلیون دلاری به ارمنستان برای سال 2010، انتشار اطلاعاتی درباره املاک فرزندان علی اف در دبی در روزنامه ها و سایت های آمریکایی و توهین و تمسخر مقامات این جمهوری، خودداری باکو از مشارکت در هزینه های طرح خط لوله گازی نابوکو، حمایت آمریکا از جریان های غرب گرا و مخالف دولت در وضعیتی که این کشور در نوامبر امسال انتخابات پارلمانی پیش رو دارد، بر روابط دو کشور سایه انداخته است.

همچنین مقامات آمریکا بیم دارند که خواست ها و منافع واشنگتن در منطقه، برای باکو که در صدد ایجاد توازن و تعادل در سیاست خارجی خود می باشد کمزنگ تر از قبل شود. به ویژه اینکه آمریکا در انتقال امکانات برای سربازان ناتو از مسیر پاکستان با مشکلات امنیتی روبرو است، تکلیف پایگاه مناسب در قرقیزستان هنوز مشخص نیست و کریدور شمال همچنان آسیب پذیر است.

در این حال راه اندازی شبکه ی فارسی زبان از سوی آمریکایی ها بر روندهای اجتماعی و سیاسی در جمهوری آذربایجان می تواند اثرات قابل توجهی داشته باشد.

به بیانی دیگر شروع به کار این شبکه با استفاده از همان ابزارهای رسانه ای که با محوریت قوم گرایی علیه ایران به کار برده می شد، می تواند تهدیدی برای دولت «الهام علی اف» رییس جمهور کنونی جمهوری آذربایجان باشد.

تکیه بر عناصر قوم محورانه، موضع مخالفان دولت کنونی را تقویت نموده و به عنوان اهرم فشاری بر دولت علی اف مورد استفاده قرار خواهد گرفت. ممنوعیت پخش برنامه های رادیو آزادی آمریکا نیز که تا حدی دولت علی اف را در تنگنا قرار داده بود از این منظر قابل توجه می باشد.

به هر حال دولت آمریکا با راه اندازی این شبکه، وارد بازی دو گانه ای با جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان خواهد شد.

با توجه به آنچه بیان شد می توان گفت که اگرچه اولویت مقامات آمریکایی در این اقدام بیشتر متوجه جمهوری اسلامی ایران است، اما به طور مسلم دولت جمهوری آذربایجان نیز از تاثیرات این رسانه ی آمریکایی برکنار نخواهد بود.

پایان پیام.